

# دو سئوی بحران

گزارشی از برگزاری همایش بررسی بحران مالی جهان و تأثیر آن بر اقتصاد ایران

اشاره:

همایش بررسی بحران مالی جهان و تأثیر آن بر اقتصاد ایران با حضور فعالان بخش خصوصی، اعضای اتاق بازرگانی، صنایع و معادن ایران و تهران، وزیر سابق امور اقتصادی و دارایی، اساتید دانشگاه و جمعی از سفرای کشورهای مختلف در سالن همایش رایزن برگزار شد. در این مراسم تأثیر بحران اقتصادی جهان بر صادرات، بودجه سال ۸۸ و نحوه خروج از شرایط فعلی مطرح شد.

## محورهای همایش

در ابتدا دکتر احمد دوست حسینی - دبیر همایش - ابراز داشت: اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران به عنوان مجمعی از فعالان صنعت و تجارت کشور وظیفه خود دانست که در واکنش به بحران مالی و اقتصادی که سراسر جهان را تحت تأثیر خود قرار داده است دست به اقدامی هشدار دهنده و آگاهی ساز بزند تا صاحبان کسب و کار و صاحبان اقتصاد با هم اندیشی و خردورزی راه هایی را بیابند که آسیب ناشی از بحران را به حداقل برسانند و از فرصت های احتمالی نیز به هنگام بهره گیرند. لذا فراخوان همایش با طرح ۱۲ محور اعلام شد و جمعی از صاحبان نظر فرصت محدودی که تعیین شده بود مقالات متعددی ارسال نمودند که به علت محدودیت وقت امکان ارائه ۹ مقاله فراهم شد.

**ادامه اقتصاددستوری، از چاله به چاله افتادن است**  
دکتر محمد نهاوندیان - رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران - با بیان اینکه ۴ ماه پس از بحران مالی جهان هنوز بسته حمایتی کشورمان تهیه نشده است؛ اظهار داشت: بحران مالی اخیر بزرگترین بحران جنگ جهانی دوم محسوب می شود و به طور قطع نفی تأثیرات این بحران و یا انداختن همه مشکلات به گردن آن نوعی افراط محسوب می شود. بحران اخیر به شکل حکیمانه باید تحلیل شود زیرا آنچنان عمیق است که ریشه یابی مشکلات ما را به عناصر عمیق تری هدایت می کند که حتی در ساختارهای بین المللی تجدید نظر کنیم و یا حتی در تقسیم کار بین المللی و روند جهانی شدن به تجدید نظر دست بزنیم. شرایط فعلی فرصتی برای ارایه نسخه های جدید و حتی نوع جدیدی از مارکسیسم به ما وجود آورده است.

با وجود جهانی شدن بازار مالی و فاصله گرفتن از بازار واقعی، شاهد کاهش مقررات در کشورهای هدف که جذب سرمایه در آن انجام می شد؛ بودیم. بی توجهی به فرآیند دموکراتیک در جهانی شدن اقتصاد، ایجاد فاصله عمیق بین بازار تولید و مصرف جهانی و تقسیم کار غیر واقعی از دیگر عوامل ایجاد بحران مالی در دنیا است. پیش از وقوع بحران، تمام سرمایه ها به سمت یک کشور واحد حرکت می کرد و پس از این شاهد تغییر

ارزی نیز ذخیره مطمئنی برای روزهای میابا ندارد که به این ترتیب به نظر می رسد اگر دولت بودجه خود را همچون سه سال گذشته انبساطی ببندد قطعاً با چالش تامین بودجه در سال آتی مواجه خواهیم شد.

## کاهش درآمدهای نفتی تأثیر جدی بر بودجه سال ۸۸ خواهد گذاشت

دکتر یحیی آل اسحاق - رئیس اتاق بازرگانی تهران - گفت: با توجه به بسته نشدن سال مالی بنگاه های بزرگ جهانی، هنوز آثار منفی این بحران ها تکمیل نشده است. بنابراین در سه ماه آینده و با بسته شدن سال مالی این بنگاه ها شاهد شدت گرفتن بحران مالی جهانی خواهیم بود. مصونیت اقتصاد ایران از بحران مالی جهانی امکان عقلی ندارد و ما نیز مانند سایر کشورها تحت تأثیر این بحران ها قرار خواهیم گرفت. ایران در بخش های مختلف به ویژه در بخش صادرات و واردات با یک چالش بزرگ مواجه خواهد شد و عبور از این بحران می تواند با استفاده از ابزار علمی و اولویت بندی تخصیص منابع میسر شود.

ایران به لحاظ نرم افزاری و علمی در حل بحران با مشکلی مواجه نیست و اگر بتوانیم اولویت بندی تخصیص منابع مالی را به درستی شناسایی و انجام دهیم می توان از این بحران مالی عبور کرد و در غیر این صورت با انشاء الله و ماشاءالله گفتن حل این مسأله میسر نخواهد شد! براساس کار مطالعاتی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، ظرف چند ماه اخیر ۱۹۵ هزار نفر در ایران بیکار شده اند که باید دید این روند در سال آتی چگونه خواهد بود ولی آنچه که محرز است این است که ایران با بحران عظیمی مواجه شده است. اگر دولت سیاست های موجود را ادامه دهد، باید منتظر افزایش بیکاری و نیز ورشکستگی بیشتر واحدهای تولیدی باشیم. بنابر این هرچه سریع تر باید سیاست های حمایتی از واحدهای تولیدی تهیه شود زیرا در حالی نیمه بحرانی قرار داریم و اوضاع در حال بدتر شدن است. در حوزه صادرات و واردات نیز روزانه آمارها را در اتاق تهران رصد می کنیم که آنچه در حال وقوع است نشانگر کاهش این آمارها است اما این به معنای از بین رفتن همه چیز در اقتصاد ایران نیست، بلکه اگر درست مدیریت شود و جهت گیری اقتصادی مورد

نیاید گمان کرد که علم اقتصاد توانایی هشداردهی نسبت به این پدیده را نداشته است اما نکته اینجا است که بین گفتار علما و رفتار سیاستمداران تفاوت وجود دارد و کافی است که به توصیه های عالمانه عمل نشود تا زمینه بحران به وجود آید. آنچه در مدیریت جهانی به خطا رفت این بود که بازارهای مالی، جهانی شد اما مقررات لازم برای آن تدوین نشد و مدیریت بازارهای مالی در آمریکا انجام گرفت و حرکت در آنجا به سمت کاهش مقررات بود. لذا در فرآیند جهانی شاهد فرآیند دموکراتیک نبودیم. فاصله عمیقی بین مرکز تولید از مصرف در بازار جهانی ایجاد شد که این شکاف قابل تأمل بوده و مفهوم آن کسری تجاری آمریکا بود که در نهایت روزی این حباب می ترکید. تقسیم کار غیرواقعی در اقتصادهای صنعتی و اینکه ۸۵ تا ۹۰ درصد این تقسیم کار در بخش خدمات انجام می گیرد از دیگر عوامل مؤثر در بحران جهانی است زیرا به وجود آمدن چنین شکافهایی افق آینده را به ما نشان می دهد لذا باید از آن درس گرفت چرا که با بحران ایجاد شده سرمایه جهانی به سمت کشور واحد سوق نخواهد یافت.

در شرایط فعلی اتفاق رخ داده این است که جهت سرمایه جهانی تغییر یافته و مفهوم آن ایجاد فرصت برای اقتصادهای با بخش واقعی بزرگ و به ویژه ایران است. عایق بندی و کم کردن تبعیت بخش مالی از بخش واقعی از تبعات آینده این بحران است که مفهوم آن ایفای نقش موثرتر اقتصادهای واقعی در اقتصاد جهانی خواهد بود.

اصلاح ساختار در راستای این بحران را برای اقتصاد کشورمان تردیدناپذیر است؛ اگر سایر کشورها در بازار بورس دچار مشکل شده اند در واقع آنها مراحل تکوینی خود را طی کردند اما ما در این مرحله حتماً باید بخش خصوصی را حمایت کنیم. برای دستیابی به این هدف گزینه های جز رقابتی کردن اقتصاد کشورمان نیست. در این میان بسیاری از کارشناسان، نخستین جرقه های رسوخ بحران به کشور را کاهش بهای نفت در بازارهای جهانی و به دنبال آن کاهش درآمدهای کشور اعلام می کنند و معتقدند که با ادامه روند کاهش کشور سال آینده برای تامین بودجه مورد نیاز کشور با مشکل مواجه خواهیم شد و این در حالی است که حساب ذخیره

جهت در سرمایه گذاری ها خواهیم بود. در حال حاضر بخش اعظم سرمایه گذاری ها در کشورهایی که اقتصاد واقعی، جمعیت زیاد و بازار بزرگ دارند انجام می شود، بنابراین فرصت مناسبی پیش آمده تا ایران نسبت به جذب سرمایه گذاری اقدام کند. در حالی که تمامی کشورهای دنیا با حمایت از تولید قصد عبور از بحران را دارند، ما با عوامل فرسایشی به مسأله تولید بی توجهی می کنیم. در برنامه پنجم توسعه باید به ایجاد فضای رقابتی توجه خاصی داشت و از اقتصاد دستوری پرهیز کرد، چرا که ادامه اقتصاد دستوری، از چاله به چاله افتادن است. دیدگاه های تأثیر بحران مالی جهان در اقتصاد ما دچار افراط و تفریط شده است، در نظریه های تفریطی بر عدم تأثیر پذیری اقتصاد ایران از بحران مالی جهانی تأکید شده و نظریه های افراطی تمام مشکلات اقتصاد ایران را ناشی از وقوع بحران مالی در دنیا می داند. بحران مالی جهان، نیاز به تجدید نظر در اقتصاد را ضروری کرد، حال باید دید با توجه به میزان تأثیر پذیری ایران از بحران مالی جهان، کدام بخش از اقتصاد ایران به تجدید نظر نیاز دارد. در شرایط فعلی و با توجه به تغییراتی که در نظام های اقتصاد جهانی رخ داده، فرصت مناسبی برای حضور مجدد نظام شکست خورده اقتصادی پیش آمده است. درس آموختن از بحران های اخیر یکی از مواردی است که بیش از هر بعد دیگری اهمیت می یابد و باید از آن به عنوان مورد جدی برای درس آموختن یا شکست بازار یا شکست نظام بازار نتیجه گیری کنیم. البته مورد دیگری که باید مورد تأکید قرار گیرد آن است که بحران جدید حاصل خلأیی بوده که در جریان مدیریت جهانی شدن اقتصاد به وجود آمده است.

در سه دهه اخیر جهانی شدن بازارهای مالی بیش از هر چیز دیگری زمینه های بحران را فراهم کرده و شاید کمتر کسی گمان می کرد که مشکل اصلی در ارتباط بخش مالی و بخش واقعی است. البته وضعیت فعلی از سوی دانشمندان قابل پیش بینی بود و دانشمندان پیش بینی کرده بودند که اگر در بازار دارایی های مالی مرتباً با خوش بینی به آینده افزایش یابد در توقع ما از سودآوری در بخش واقعی اثر می گذارد و زمانی این حباب خواهد ترکید.



واقع‌بینانه با مشکلات سیستم‌های بانکی است. از قول بانک مرکزی اعلام شده که چون در سال گذشته ۱۰ هزار میلیارد تومان بانک‌های تجاری بدهی به بانک مرکزی دارند، این بانک تصمیم گرفته بدهی‌ها را تبدیل به وام کند و این یعنی خط اعتباری جدید به بانک‌های تجاری. این نوع برخوردها عدم تعادل میان بخش واقعی و بخش مالی اقتصاد بوجود می‌آورد را تشدید می‌کند لذا باید تعویض می‌شد. نکته دوم این که نباید به هیچ وجه و به هیچ وجه از طرح هدفمند کردن یارانه‌ها در جهت کسری بودجه استفاده شود.

اما تأثیر بحران مالی بر اقتصاد ایران، بحران مالی اخیر به چند طریق می‌توان اقتصاد ایران را تحت تأثیر قرار دهد:

- ۱- تأثیر کاهش قیمت جهانی نفت بر کاهش ذخایر بین‌المللی ایران
- ۲- تأثیر کاهش قیمت جهانی نفت بر افزایش کسری بودجه عمومی در سال ۸۸
- ۳- تأثیر کاهش قیمت‌های جهانی بر کاهش شاخص سهام بورس اوراق بهادار ایران
- ۴- تأثیر سیاست‌های اقتصادی دولت در سال‌های اخیر بر وضعیت کنونی

### اثر بحران بر اقتصاد ایران در جهان

دکتر حیدر یوریان - مدیر مسئول و سردبیر ماهنامه اقتصاد ایران - ابراز داشت: بحران مالی - اقتصادی کنونی جهان که عمق و شدت آن از سپتامبر ۲۰۰۸ آشکار شد به سرعت و شدت در حال وخیم‌تر شدن است متأسفانه پرداختن به ریشه‌ها و ابعاد این بحران با تعویق غیر قابل بخششی تنها در چند ماه قبل آغاز شد.

از دلایل این تعویق و تأمل، نادیده گرفتن هشدارهای گروه کوچکی از اقتصاددانان و مدیران آمریکایی بود. دلایل دیگر آن انتخابات ۲۰۰۸ ریاست جمهوری آمریکا و عدم تمایل حزب حاکم به باز شدن این مسائل و ریشه آنها بود که می‌توانست امتیاز بسیار منفی در آرا عمومی باشد. البته غافلگیر شدن در بحران را نباید از یاد برد.

پرسشی که پیش می‌آید این است که چگونه بحران ۲۰۰۸ در ایالات متحده آمریکا می‌تواند تبدیل به یک بحران جهانی شود که نه تنها کشورهای بزرگ بلکه کشورهای کوچکتر و در حال توسعه را هم تحت تأثیر قرار دهد؟ سهم آمریکا از محصول ناخالص جهان در حدود ۲۰ درصد است با وزنی معادل یک پنجم

اقتصاد جهان و تشدید روند جهانی شدن در دهه‌های قبل طبیعی است که کارکرد اقتصاد آمریکا بر اقتصاد

دوره افزایش چشمگیری پیدا کرد و در نهایت منجر به این نتیجه شد که بخش مهمی از سرمایه خارجی آمریکا از این طریق تأمین شود.

پس از یازدهم سپتامبر هر چند برخی از بخش‌های اقتصاد آمریکا مانند بازارهای مالی هم تحت تأثیر قرار گرفت، پیش‌بینی شد که اقتصاد آمریکا از این ناحیه آسیب فراوانی بینند. بنابراین سیاست‌گذاران به دنبال این بودند که رونق را مجدداً به اقتصاد آمریکا بازگردانند و یا مانع رکود شوند.

تحقیقی در دسامبر سال ۲۰۰۸ در کشورهای انجام شده است. خلاصه تحقیق این است که کشورهایی که نرخ بهره بانکی آنها کمتر از نرخ بهره تایلور است، دچار یکسری مشکلاتی شده‌اند. نرخ بهره تایلور دارای ۳ جزء است. جزء اول - نرخ بهره خنثی است یعنی اگر کشور بخواهد نرخ بهره خنثی داشته باشد کافی است تورم ۲ درصد باشد. جزء دوم، تفاوت میان تورم موجود و تورم روند قبلی است. جزء سوم هم تفاوت روند رشد اقتصادی با رشد موجود است.

براساس این فرمول نرخ بهره بانکی ایران حدود ۲۶/۵ درصد می‌شود. یعنی اگر بخواهیم براساس نرخ تایلور نرخ بهره را بدست بیاوریم ۲۶/۵ درصد خواهد شد. حال اگر نرخ بهره پایین‌تر باشد چه اتفاقی رخ خواهد داد؟ کشورهایی که نرخ بهره بانکی در سطوح پایین وجود دارد با افزایش سطح عمومی قیمت کالاها به ویژه مسکن، افزایش سرمایه‌گذاری در بخش مسکن افزایش وام دهی توسط بانک‌ها، افزایش منابع اعتباری متکی بر بازارها، افزایش نقدینگی، افزایش شاخص سهام مواجه هستند. در دورانی که با افزایش قیمت‌ها مواجه بودیم غیر از مورد چهارم (که فعلاً در بازار ایران نداریم و اخیراً می‌خواهیم آن را شروع کنیم) همه آثار را در اقتصاد ایران شاهد بودیم بنابراین سیاست‌هایی که در ارتباط با بحث پولی و بانکی در کشور اتخاذ شده ویژگی خاصی به اقتصاد کشور داده است که باید آثار آن در سال‌های آینده مورد محاسبه قرار داد.

بحث دیگر کشورهایی هستند که دچار بحران‌های بانکی شده‌اند. یکی از مشکلاتی که این کشورها از آن رنج می‌برند افزایش درصد وام‌های بدون بازگشت نسبت به کل وام‌هاست. در بخش دیگر تحقیق وضعیت نسبت سپرده‌های بانکی به تولید ناخالصی ملی ذکر شده و هم چنین حداکثر افت ماهیانه سپرده‌ها قبل از بحران مورد بررسی قرار گرفته است.

در مجموع رشد اعتبارات بانکی زیاد نبوده اما بحران در این کشورها بوجود آمده است نکته مهم برخورد

جهانی میزان تأثیرپذیری اولیه اقتصاد ایران از بحران بسیار ناچیز بوده است اما به سبب آن که این بحران طلوعه دار وقوع رکود و کسادگی گسترده در اقتصاد جهانی است، اقتصاد ایران نیز به شدت از آن متأثر خواهد بود.

از این رو بحران حاضر پیامدهای گسترده‌ای بر روی سیاست‌ها ی کلان اقتصادی و تخصیص هدایت شده منابع، برنامه‌های اصلاح ساختار، فرایند واگذاری دارایی‌های دولتی به بخش خصوصی و... می‌گذرد.

نکته مهم در این میان درس‌هایی است که از بحران مالی جهانی در فرآیند توسعه بازارهای مالی داخلی می‌توان آموخت. نخستین درس به فرایند ابزارسازی‌های مالی و تبدیل داریی‌ها به اوراق بهادار و تکنیک‌های مهندسی مالی و مدیریت ریسک مربوط می‌شود. در وهله بعد چنین پیداست که نظارت کافی بر انتشار اوراق بهادار مشتقه وجود نداشته و نهاد ناظر بر بازارهای مالی فاقد ابزارهای نظارتی در این زمینه بوده و یا در صورت داشتن چنین ابزارهایی به نحو مناسبی از آن استفاده نکرده است. با توجه به امکانات جدیدی که قانون بورس و اوراق بهادار برای بازار سرمایه فراهم کرده است باید در فرایند تبدیل داریی‌ها به اوراق بهادار در بازارهای مالی ایران به نحوی عمل شود که این اوراق از ریسکی غیرمتعارف آسیب نیندند. بحران مالی کنونی به علت ادغام گسترده بازارهای مالی و تنوع شدید ابزارهای مالی در فرایند شتابان تبدیل داریی‌ها به اوراق بهادار پدیده‌ترین بحران‌های اقتصادی محسوب می‌شود.

### مروری اجمالی بر بحران مالی آمریکا

دکتر داود دانش جعفری - عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی - گفت: اقتصاد آمریکا در دوره بیل کلینتون غیر از آخرین سال‌ها در رونق بود. اوایل دوره ریاست جمهوری جورج بوش و پس از ماجرای یازدهم سپتامبر، نخستین تحلیل‌ها بعد از این ماجرا این بود که آیا این اتفاق تأثیری بر اقتصاد آمریکا خواهد گذاشت؟ هر چند برخی‌ها معتقد بودند این موضوعات در حد تحلیل است اما در واقع برخی از نقاط قوتی که اقتصاد آمریکا در دوره کلینتون بدست آورده بود، بعد از این حادثه دچار آسیب شد. یکی از این ویژگی‌ها رونق بورس در این کشور بود. با توجه به افزایش معاملات اینترنتی در دنیا، این امکان بوجود آمده بود که مردم سایر نقاط دنیا بتوانند در بورس آمریکا سرمایه‌گذاری کنند. قیمت سهام در این

توجه قرار گیرد، حتما راه‌حلی خواهد داشت. اگر حل بحران را اولویت اول اقتصاد کشور بدانیم، قطعاً می‌توانیم با آن مقابله کنیم اما اگر به هردلیل این امر جزو اولویت‌های بعدی قرار گرفت، قطعاً ضربه خواهیم خورد، در این راستا باید مدیریت ویژه با اولویت ویژه کار را به عهده گیرد و با تخصیص منابع خاص و واقع‌نگری، اقتصاد را از شرایط بحران نجات داد. نقطه آسیب اقتصاد ایران از بحران اقتصادی تولید است که اگر به تولید توجه نشود، قطعاً در شرایطی که تمام جهان با نظام حمایتی قضیه را حل می‌کنند، به مشکل برمی‌خوریم که امیدواریم همه مجموعه‌ها دست در دست هم دهند و این مشکل را حل کنند.

راه رسیدن به اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و نیز اصل ۴۴ قانون اساسی گذر از این بحران است. بحران مالی از مرزهای آمریکا گذشته و به همه دنیا و ایران رسیده است که ضرورت دارد ما به سهم خود در این راستا اقداماتی را انجام دهیم چرا که نمی‌توان عنوان کرد که یک پدیده جهانی باشد و ایران به‌عنوان یک جزیره از آن مصون بماند.

برخی پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که بحران قطعاً با شدت بیشتری دنبال می‌شود چرا که سال مالی بنگاه‌های اقتصادی دنیا هنوز شکل نگرفته و شدت کار بعد از تشکیل مجامع مشخص می‌شود.

واقعیت این است که در بخش تولید و اقتصاد، نقطه آسیب عمده این بحران هستند. ممکن است برخی این استدلال را داشته باشند که به دلیل اینکه ساختار اقتصادی ایران تأثیرپذیری کمی از اقتصاد دنیا دارد اثرات بحران در آن بسیار اندک است اما مشاهده می‌شود که هم اکنون بخش‌های مختلف اقتصادی ایران بحران را با پوست و استخوان لمس کرده‌اند چرا که نفت از ۱۴۰ دلار به ۴۰ دلار تنزل یافته است. کاهش درآمدهای نفتی تأثیر جدی بر بودجه سال ۸۸ خواهد گذاشت چرا که ۶۶ درصد از بودجه ایران وابسته به نفت است.

### درس‌هایی که بازارهای مالی ایران از بحران می‌آموزد

دکتر سید احمد میر مطهری - مدیر عامل شرکت گسترش انرژی پاسارگاد و دبیر کل اتاق بازرگانی و صنایع معادن ایران - با بیان اینکه بحران مالی فعلی یکی از پدیده‌ترین بحران‌های تاریخ اقتصادی است، افزود: گسترش این بحران به سبب درهم آمیزی گسترده بازارهای مالی در سطح جهان و تنوع شدید ابزارهای مالی ناشی از فرایند شتابان "تبدیل داریی‌ها به اوراق بهادار" طی دو دهه اخیر بوده است.

به دلیل ارتباط ناچیز بازارهای مالی ایران با بازارهای



به نحوی که بعضاً روزانه شاهد افت شاخص‌های مهم بورس دنیا بیش از ۵ درصد بوده‌ایم و به اعتقاد اقتصاددانان دامنه بحران از بازارهای مالی واقعی اقتصاد وارد شد به نحوی که نرخ بیکاری در کشورهای مختلف رو به افزایش گذاشت. به موازات روند یاد شده شاهد تغییرات قیمتی در کالاهای اساسی، مانند نفت، فلزات و مواد غذایی بودیم که در وهله اول افزایش شدید قیمت‌ها و در مرحله بعدی کاهش قیمت‌ها را در پی دارد.

به طول انجامیدن بحران اقتصادی جهانی در خوش‌بینانه‌ترین حالت حدود ۲ الی ۳ سال به طور متوسط ۵ الی ۱۰ سال و در بدبینانه‌ترین حالت ۱۰ الی ۲۰ سال خواهد بود. تحولات جهانی منحصر به کشور یا بازار خاصی نیست و کشورهای مختلف جهان مانند بازی دومینو دیر یا زود تحت تاثیر این جریان قرار خواهند گرفت علیرغم تسهیلاتی که کشورها داشته‌اند روز به روز بحران ابعاد مختلفی به خود می‌گیرد.

با توجه به بزرگ بودن و تاثیرگذاری بالا اقتصاد آمریکا بر اقتصاد جهانی به نظر می‌رسد که بحران اقتصادی آغاز شده تمامی کشورهای دنیا و حتی ایران را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد و با توجه به بالا بودن حجم تصدی‌گری دولت در اقتصاد ایران، بحران اقتصادی جهانی از موضع بودجه سنوایت دولت آثار زیادی بر اقتصاد کشور خواهد داشت همچنین به نظر می‌رسد بیشترین اثرگذاری بحران اقتصادی جهانی بر اقتصاد ایران از موضع کاهش درآمدهای حاصل از صادرات نفت باشد.

بازار مصرف به که به عنوان موتور محرکه رشد اقتصاد موتور محرکه رشد اقتصادی عمل می‌کند به سرعت از قدرت دور آن کاسته می‌شود و رکود اقتصادی و متعاقب آن رکود تورمی و در نهایت بحران عمیق اقتصادی منجر خواهد شد.

رونق و حضور در بازارهای اقتصادی همواره مطرح بوده به نحوی که دست‌اندرکاران هر بازار مانند بازار مسکن یا بورس براساس تجربه همواره دوران رونق را منتظر می‌باشند برای یک دوران رکود و بالعکس می‌دانند و فعالان در بازارهای مختلف معمولاً روند تناوب زمانی را برای این دوره‌ها قائل هستند.

سوال این که کشورهای اروپایی که توانایی تکنولوژیکی و مالی قابل توجهی دارند چرا تصمیم گرفتند متحد شوند و طی ۳۰ سال گذشته کلیه سیاستمداران و اقتصاددانان اروپایی توجه خود را به آن جلب کنند و از تشکیل ایالت متحده اروپا سخن بگویند؟ با نگاهی به حافظه تاریخی شکل‌گیری نظام مالی جهان شاید بالغ سوال فوق روشن شود. تا قبل از

خارجی و همچنین سلب حقوق فردی مردم آمریکا به وجود آمده بود و از سوی دیگر نسبت به سیستم اقتصادی آمریکا در اثر اشتباهات تصمیم‌گیرندگان سیستم مالی بانکی این کشور پیش آمده بود؛ شکل گرفت.

تاثیر این بحران اگرچه ابتدا اقتصاد آمریکا را هدف قرار داد ولی در ظرف یکسال دامنه بی‌اعتمادی بر اساس رویه 'دومینو' زنجیروار بقیه موسسات اقتصادی مالی آمریکا و به تبع آن اقتصاد اروپا و سپس سایر نقاطی که از نظر اعتباری به موسسات مالی و بانک‌های آمریکایی متصل بودند را فرا گرفت.

جهان دوران ۸ ساله نئو محافظه کاران جهان، جهان وحشت، ترور و بی‌اعتمادی در سطح سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بود لذا فروریختن دیوار اعتماد در اواخر این دوره که میلیاردها دلار از جیب مالیات دهندگان آمریکایی صرف بلندپروازی‌های نظامی در افغانستان و به ویژه در عراق شده بود، امری مستبعد به شمار می‌رود.

همین امر باعث شد هیأت دولت کاخ سفید نتواند در هنگام بحران وام مسکن از خود واکنش منطقی و عملیاتی نشان دهد و حاصل آن افسارگسیخته شدن بحران و سر ریز کردن آن به سایر حوزه‌ها بود.

این بحران اکنون ثبات و توسعه جهان را به طور جدی مورد تهدید قرار داده است و اگر رئیس‌جمهور اوباما، سیاست‌های دولت قبلی را تصحیح ننماید و روحی تازه در کالبد مردم آمریکا و مردم جهان به نقش ایالات متحده آمریکا در سراسر جهان ندمد، این بحران مالی و اقتصادی به کل جهان وارد سازد. خسارات مالی و بازسازی اعتماد عمومی قبل از انجام بنابراین برای بازسازی اعتماد عمومی قبل از انجام هر اقدام اقتصادی مالی، نیاز به بازسازی سیاسی اجتماعی در اشکال مختلف دارد و آن گاه به ساختار اقتصادی مالی دنیا پرداخته شود و نقاط آسیب‌پذیر سیستم حاضر و راهکارهای مناسب ارائه شود.

**آثار بحران بر برخی متغیرهای کلان اقتصادی**

مهندس محسن مهرعلیزاده - عضو هیأت نمایندگان اتاق‌های ایران و تهران و مدیر عامل سازمان اقتصادی کوثر- در این باره اظهار داشت: از ابتدای رکود مسکن در آمریکا و سال ۲۰۰۴ تاکنون به کرات گزارش‌ها و تحلیل‌های مختلفی در مورد بروز بحران انجام گرفته و رسانه‌ها و نشریات مختلف اقتصادی در سطح بین‌الملل مطرح و مورد بحث قرار داده‌اند. به نظر می‌رسد مشکلاتی که در مورد رکود مسکن بروز کرده به تدریج تبدیل به یک مشکل بزرگ در آمریکا شده است.

این بحران به بازارهای سرمایه دنیا رسوخ پیدا کرده

واحدهای اقتصادی کشور ما چندان قوی نیستند و در این شرایط بیشتر تضعیف خواهند شد، بانک‌های ما طبیعتاً با وام‌های مشکوک الوصول بیشتری روبرو خواهند بود و قیمت سهام که اینک اقتصاد ما و شرکت‌ها است احتمالاً بدتر خواهد شد. همچنین احتمال افزایش قاچاق و دامپینگ و همین‌طور اختلال در نظام‌های اجتماعی و سیاسی وجود دارد. چرخه‌های تجاری را می‌توان به ۳ بخش بودجه‌ای و مالیاتی، پول و مالی تقسیم کرد. پیشنهادم کاهش ۲۰ درصدی مالیات‌ها است. اگر دولت مالیات‌ها را کاهش ندهد، جمع‌آوری مالیات دشوار خواهد بود پس بهتر است سیاست‌های مالیاتی را انجام دهد و تخفیفاتی برای کارفرما در نظر بگیرد تا از کاهش اشتغال جلوگیری شود.

متأسفانه در شرایطی که دنیا سمت نرخ بهره صفر نزدیک می‌شود، ما به نرخ بهره ۱۹ و ۳۰ درصد دست می‌یابیم! البته مشکلات تورمی و سیاست‌های غلط باعث بروز این مسأله شد اما می‌توان تخفیفی از منابع بانکی برای تولیدکنندگان خوش حساب در نظر گرفته شود.

محیط کسب و کار ما خوب نیست ممکن است در ۲ سال آینده تحت تاثیر بحران مالی قرار بگیریم. پس از جنگ، روسای جمهوری کشور به فکر کسب و کار نبودند. دولت شاید بتواند در مورد هیأت‌های مرتبط با آموزش کار اقداماتی انجام دهد. بسیاری از کارگران در همان روزهای نخست می‌خواهند یاد بگیرند چگونه از کارفرما شکایت کنند! با توجه به کاهش منابع ارزی چون اقتصاد ایران بخصوص در کالاهای واسطه‌ای بسیار آسیب‌پذیر است بهتر است ضمن اینکه مجبوریم واردات را کاهش دهیم و این تمایل به کالاهای واسطه‌ای معقول‌تر باشد. مبارزه جدی با قاچاق، دامپینگ صورت گیرد.

نکته دیگر این که منابع بازار سرمایه را مورد استفاده قرار نمی‌دهیم ضمن اینکه شورای بورس می‌تواند (و اجازه دارد) حتی شبانه اوراق بهادار جدید تعیین کند اما متأسفانه فکر می‌کنم شورای بورس در این سال‌ها در خواب بوده و فایده‌ای برای صنعتگران و بازرگانان در بر نداشته است.

**دریابی تاثیر بحران مالی بر بی ثباتی موقعیت اقتصادی - سیاسی جهان**

دکتر سید علی خرم- معاون امور بین‌الملل اتاق بازرگانی، صنایع و معادن ایران - گفت: بحران مالی آمریکا در سال ۲۰۰۷ در پی بی‌اعتمادی مردم این کشور به حکومت خود شروع شد. این بی‌اعتمادی از یک سو نسبت به سیستم سیاسی آمریکا که در اثر اشتباهات فاحش نئومحافظه کاران در سیاست

دنیا تاثیرگذار باشد. انتظار می‌رود که حتی اقتصادهای کوچک غیر از این بحران متأثر شوند.

در حال حاضر و در مقایسه با ارزش محصول ناخالص داخلی اقتصاد ایران اقتصادی در حد یکی از ایالت‌های آمریکا معادل اقتصاد ایالت آلاباما در جنوب آمریکا محاسبه می‌شود. حتی ارزش تولیدات روسیه بزرگ در حد ایالت اقتصاد ایالت نیویورک است. البته بزرگی و کوچکی خود ممکن است دلیل کافی برای متأثر شدن نباشد اما وقتی نحوه اثر را تحت بررسی قرار می‌دهیم و کاهش جریان تجارت و عوامل تولید (خصوصاً منابع مالی) را در کنار اقتصاد تک محصولی نظیر ایران که قیمت آن محصول می‌تواند به شدت متأثر از بحران مالی - اقتصادی حاضر شود، را مدنظر قرار دهیم اثر بحران بر کشورمان آشکارتر می‌شود.

علاوه بر بزرگی بحران آمریکا که دامنگیر اروپا هم خواهد شد، چرخه‌های تجاری در دوران پس از جنگ به شدت همبستگی‌شان زیاد شده است پس یک چرخه که در کشور به وجود می‌آید بلافاصله و بیش از گذشته به سایر عرصه‌های تجاری سرایت می‌کند و ما هم درگیر آن خواهیم شد.

متأسفانه اقتصاد ایران یک اقتصاد کوچک، باز و بدون تنوع (تک محصولی) است. کانال‌های که احتمالاً می‌توانند بر اقتصاد ایران نفوذ کنند، عبارتند از تجارت بین‌الملل، کاهش قدرت خرید و درآمدهای سرانه جهان و مردم ایران، وخیم‌تر شدن جریان مالی بین‌المللی.

گاهی در مورد بحران بزرگ گفته می‌شود وقتی آمریکا با بحران مواجه شد؛ بسیاری از بانک‌های آمریکایی، وام‌های خود را از اروپا فراخواندند و این امر باعث آغاز رکود در اروپا و سپس ژاپن شد. تشدید رقابت بین‌الملل برای ما از این لحاظ خبر خوبی نیست چون صنعتگران ما با هزینه بالا (چه دولتی و چه غیردولتی) محصول خود را تولید می‌کنند و قیمت تمام شده محصولات ما بالاتر است. ممکن است تغییر رفتار تجاری را در آینده از لحاظ ملی‌گرایی و افزایش تعرفه‌ها داشته باشیم که برای صادرات غیرنفتی ما مشکل ایجاد خواهد کرد از لحاظ سیاسی هم ممکن است پیمان‌هایی توسط برخی کشورها ایجاد شود و حتی به خصوصت‌های سیاسی در آینده برسیم.

فکر می‌کنم اقتصاد ایران در حال ورود به یک رکود است. با برخی از تجار و صنعتگران که صحبت می‌شود، عنوان می‌کنند ریزش نیروی انسانی شروع شده است. متأسفانه رشد نقدینگی به اندازه کافی نیست استفاده از بازار سرمایه که هنوز دانش آن در کشور چندان وجود ندارد. بنابراین علاوه بر درآمدها ما با کاهش ثروت هم مواجهیم.



جنگ جهانی دوم مبادلات تجاری بین‌المللی با طلا انجام می‌گرفت اما در اواخر جنگ به دلیل ضعف شدید اقتصادی و تفوق نظامی و سیاسی آمریکا جایگزینی دلار به جای طلا در مبادلات اقتصادی به سایر کشورها تحمیل شد به همین صورت عمده بازاریهای پولی و مالی دنیا در اختیار آمریکا قرار گرفت. اما مقابله و مخالفت کشورهای صنعتی اروپایی با این ساختار همواره وجود داشته به طور مثال ژنرال دوگل - رییس جمهور فرانسه - دلارهای آمریکایی را با کشتی به آمریکا فرستاد و درخواست طلا در مقابل دلار کرد! ظاهراً این ابزار کنترل بازاریهای مالی دنیا مهمتر از آن است که کنگره یا هر یک از روسای جمهور آمریکا به تغییر آن تن در دهند.

سوال بعدی این است که آیا بحران مالی کنونی که گریبانگیر تمام کشورهای صنعتی شده است و مانند کوره یخی است که بخش بزرگ آن هنوز معلوم نیست قادر است دشمنان قدیمی را کنار هم بگذارد و اختلافات رفع شود و در جهت حل مسائل و جلوگیری از تشدید بحران همکاری نماید؟ اقتصادهای کشورهای مختلف دنیا به شدت و یکدیگر وابسته هستند و سقوط یکی به معنای سقوط دیگری است. نگاهی گذرا به مراکز قدرت که سعی در تأثیرگذاری بر فعالیت‌های اقتصادی دارند روشن می‌کند که جهان از دو قطبی به تک قطبی و سپس چند قطبی تبدیل می‌شود به عبارت دیگر به "جهانی بدون قطب" سوق پیدا کرده است به نحوی که چین، هند، روسیه، برزیل و انواع تشکل‌های سیاسی و اقتصادی و حتی NGO ها در صحنه حضور یافته‌اند و هر کدام از طرفی تأثیرگذاری و از طرف تأثیرپذیری بر بحران‌های فعلی دارند.

سوال دیگر این است که قدرت‌های اقتصادی جهان چه راهکارهایی برای بحران اقتصادی جهان پیش می‌گیرند و چه ابزارهای برای انجام این کار در اختیار دارند؟ موتور محرک اقتصاد مصرف می‌باشد به عبارت دیگر مجوری‌ترین مسأله که باید برای آن راه‌حلی اندیشیده شود فعال نمودن بازار مصرف است تا اقتصاد از رکود و بحران خارج شود و راهکارهای دیگر مقطعی و به عنوان مسکن عمل می‌کند.

بدیهی است جوامع و کشورهای و مناطق مختلف جهان که قابلیت لازم جهت رشد بازار مصرف داشته باشند مورد توجه قرار می‌گیرند. به طور مثال کشور چین که حدود یک پنجم جمعیت جهان را به خود اختصاص می‌دهد و رشد ۲ درصدی را طی ۱۵ سال گذشته داشته است؛ می‌تواند به عنوان یک بازار مصرف قابل توجه مورد نظر باشد.

اما آثار بحران اقتصادی جهان بر ایران:

کاهش بازار مصرف کالاهای صادراتی ایران خصوصاً نفت و بالتبع آن کاهش قیمت‌های مخصوص در مورد کالاهای نفتی مشهود شده است و کاهش میزان صادرات غیرنفتی و نفتی و کاهش درآمدهای ارزی اتفاق افتاده است. لیکن هنوز عمق آنها مشخص نیست. البته کاهش قیمت در کالاهای وارداتی واقع شده اما توجه به مقایسه کاهش قیمت نفت به عنوان تأمین کننده بخش عمده‌ای از درآمد کشور به میزان ۷۰ درصد و کاهش قیمت‌های کالاهای وارداتی از جمله فلزات اساسی حدود ۵۰ درصد و کالاهای کشاورزی حدود ۳۰ درصد به نظر می‌رسد با کسری بودجه ارزی و ریالی مواجه خواهیم شد و بدین لحاظ کسری تأمین کالاهای وارداتی مورد نیاز مردم و افزایش نرخ ارز اجتناب ناپذیر خواهد بود. به عنوان مثال در حالی که براساس آمار موجود میانگین وابستگی بودجه کل کشور به درآمدهای نفتی بین سال‌های ۸۲ الی ۸۷ به میزان ۶۳/۵ درصد می‌باشد

و در بودجه سال ۸۷ قیمت هر بشکه نفت ۵۴ دلار محاسبه شده و این رقم در عمل به ۶۹ دلار رسیده است. پیش بینی هر بشکه به میزان ۳۷/۵ دلار در بودجه ۸۸ با فرض تحمیل این میزان درآمد به ازای هر بشکه نفت کسری ۴۶ درصدی در این بخش از درآمدهای دولت را در پی خواهد داشت که با توجه به سهم درآمد نفتی در بودجه کشور از هم اکنون می‌توان کسری حداقل ۳۰ درصد را پیش‌بینی نمود این در حالی است که بحران جهانی در میزان فعالیت بنگاه‌های اقتصادی اعم از صادرات و واردات و بویژه تولید اثرگذار بوده و بدین ترتیب درآمد بنگاه‌ها و به تبع آن مالیات پرداختی کاهش قابل توجه خواهد داشت. با توجه به توان پایین دولت در خصوص کاهش بودجه جاری به نظر می‌رسد که در سال آتی کسری قابل توجهی در مجموعه دولت و به خصوص بخش عمرانی بودجه وجود داشته باشد این مسأله طول دوره تکمیل طرح‌های عمرانی را تحت تأثیر قرار داده و آثار تورمی خواهد داشت.

مورد مهم دیگر این است که به نظر می‌رسد حذف یارانه‌ها با افزایش شدید نقدینگی همراه شود و در کوتاه مدت رکود و سپس جهش قیمت‌های حداقل ۶۰ درصدی و متعاقب آن تورم فزاینده بعید به نظر نمی‌رسد، البته در حواشی این تغییرات افزایش نرخ بیکاری و تبعات آن نیز ممکن است.

### روزهای خوش نفت گران، چه زود به پایان رسید!

دکتر مهرداد خلیلیان - دبیر کل اتاق بازرگانی و صنایع و معادن اصفهان - گفت: طبق گزارش‌های ارائه شده تمامی کشورهای دنیا در اثر بحران مالی و بانکی غرب آسیب خواهند دید ولی میزان آن به ارتباط آن‌ها با نظام مالی غرب بستگی دارد. هر چه

پایینی از وابستگی به نظام مالی جهانی قرار دارد اما باید توجه داشت که با وجود تمامی تلاش‌های صورت گرفته هنوز به نیازهای اصل صنایع بزرگ کشور با کمک واردات رفع می‌شود. نکته اساسی تأثیر این بحرانی به تمامی بازارها و از جمله بازار نفت خام است. نیازی به بحث درباره میزان اثرپذیری اقتصاد ایران از بازار جهانی نفت نیست و اینکه با وجود تمامی تذکرات و البته تلاش‌های صورت گرفته قیمت عمده و اصلی بودجه‌های سالانه کشور از طریق صادرات نفت خام تأمین می‌شود. مدت زمان زیادی از پیش‌بینی وزیر نفت در مورد قیمت ۲۰۰ دلاری این روزها صحبت از رسیدن قیمت نفت به ۳۵ دلار برای هر بشکه می‌شود. در خبرها آمده بود که مسئولین آستانه تحمل اقتصاد ایران را نفت ۶۰/۶ دلاری اعلام کرده‌اند در شهر ما حتی درآمدهای مالیاتی و گمرک نیز ارتباط مستقیمی با درآمدهای نفتی دارد و اینجاست که نقش صندوق ذخیره ارزش و مسائل مربوط آن به یاد صاحب نظران می‌آید.

مدتی پیش ریاست جمهور این سوال را برای اقتصاددانان کشور مطرح کرد که با دلاری نفتی چه کنیم؟ روزهای خوش نفت گران، چه زود به پایان رسید و شاید هم چون شیرینی آن را مردم احساس نکردند کوتاه به نظر رسید! اکنون باید این سوال را مطرح کرد که اگر بار دیگر نفت گران شد با دلارهای آن چه کنیم؟

بحران تأثیر منفی خود را بر دنیا گذاشته و بر اقتصاد ایران نیز تأثیرگذار خواهد بود. اقتصاد آمریکا بزرگترین اقتصاد جهان است و هر تحولی در آن موجب تأثیرگذاری در اقتصاد دنیا خواهد شد. این بحران به زودی دامنگیر تمام دنیا خواهد شد اما به تناسب ارتباط کشورها با آن آسیب کم و یا بیشتری

### مهندس مهرعلیزاده:

**با توجه به بزرگ بودن و تأثیرگذاری بالا اقتصاد آمریکا بر اقتصاد جهانی به نظر می‌رسد که بحران اقتصادی آغاز شده تمامی کشورهای دنیا و حتی ایران را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و با توجه به بالا بودن حجم تصدیر کسری دولت در اقتصاد ایران، بحران اقتصادی جهانی از موضع بودجه سنواتی دولت آثار زیادی بر اقتصاد کشور خواهد داشت همچنین به نظر می‌رسد بیشترین اثرگذاری بحران اقتصادی جهانی بر اقتصاد ایران از موضع کاهش درآمدهای حاصل از صادرات نفت باشد.**

یک کشور ارتباط اقتصادی بیشتری با آمریکا و اروپا داشته باشد تأثیر بیشتری از این بحران‌ها می‌پذیرد و هرچه ارتباط اقتصادی کشوری با آمریکا کمتر باشد تأثیر بحران جهانی دیرتر روی آن ظاهر می‌شود. اما کارشناسان معتقدند که در نهایت هیچ کشوری از این مشکلات دور نخواهد ماند چرا که بحران مالی و اقتصادی غرب به رکود اقتصادی دنیا منجر می‌شود و این رکود جهانی بدون شک اقتصاد تک‌تک کشورها را تهدید می‌کند.

اثرگذاری این شرایط بر اقتصاد ایران نیز اجتناب ناپذیر است. اگر چه بسیاری از مسئولین کشور ضمن ابراز خرسندی از شرایط حاضر اقتصاد ایران را از آسیب‌های ناشی از آن مصون می‌دانند لکن این اظهار نظرها چندان صحیح نمی‌باشد برای کشور ما که پس از پیروزی انقلاب اسلامی مسئولین همواره به نگاه حمایت از متخصصین ابراز عقیده کرده‌اند شادمانی از بروز این بحران که به آسیب بیش از پیش طبقه فقیر و ناتوان جوامع منجر می‌شود، پسندیده نیست. درست است که کشور ما به دلایل گوناگون در درجه

می‌بیند. ایران نیز به دلیل مراد و کمتر و ارتباط غیر مستقیم با آمریکا تأثیر زیادی از بحران آمریکا نگرفته و آسیب محسوسی به اقتصاد ایران وارد نمی‌شود نباید فراموش کرد که هر بحرانی در جهان پیامدهایی را برای تمام نقاط جهان بدنبال خواهد داشت.

### بحران اقتصادی جهانی و تأثیر آن بر اقتصاد ایران از مجرای نفت

دکتر محمدرضا نیکخواه - پژوهشگر معاونت اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک - گفت: تأثیر بحران اقتصادی اخیر که با بحران بی‌اعتمادی همراه شد، فراتر از چیزی بود که تصور می‌شد. این موج بزرگ از سطوح اقتصادی مختلف عبور کرد و بخش‌های اقتصادی را یکی پس از دیگری تحت تأثیر قرار داد. این بحران از مرزهای سیاسی نیز عبور کرد و به کشورهای در حال توسعه رسید.

۲۰۰۹ تنها ۲/۲ درصد خواهد بود. رشد اقتصادی کشورهای پیشرفته در سال ۲۰۰۹ در پایین ترین سطح خود پس از جنگ جهانی دوم حدود ۰/۳ درصد کاهش خواهد داشت. واردات کشورهای پیشرفته در سال ۲۰۰۹، ۰/۸ درصد کاهش می‌یابد و قیمت نفت نیز ۳/۸ درصد افت خواهد داشت. (این ارقام طبق پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول است.)

بسیاری از کشورهای در حال توسعه شدیداً با کمبود اعتبار و نرخ‌های بالای بهره روبرو شده‌اند. انتظار می‌رود جریان سرمایه از هزار میلیارد دلار در سال ۲۰۰۷ به ۵۳۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۹ افت کند. بنابر تحقیقات بانک جهانی یکصد میلیون نفر به فقر مطلق دچار شده‌اند. قبل از وقوع بحران مالی بسیاری از کشورها با بحران غذا و سوخت مواجه بودند همچنین ۴۴ میلیون کودک نیز دچار سوء تغذیه شده‌اند و با ادامه روند بحران وضعیت وخیم‌تر خواهد شد. کشور ما نیز قبل از بحران درگیر بحران‌های دیگری بود بحران اقتصادی و تحریم، مضیقه‌های بانکی و بی‌ثباتی اقتصاد کلان که به تورم بالا و کسری بودجه دولت، نمود پیدا می‌کرد. متحمل است با رکود جهانی در دو سال پیش رو، روندهای داخلی وخیم و وخیم‌تر شود.

گرچه بیشتر توجهات به مشکلاتی از قبیل بحران اوراق بهادار رهنی ثانویه در آمریکا به عنوان محرک اصلی وقوع بحران فعلی معطوف شده اما مهم است که بدانیم سرچشمه بحران از اثرات متقابل سه عامل تجمع شگفت آور ذخایر در کشورهای با مازاد تجاری، اختیار سیاست‌های پولی انبساطی در کشورهای OECD و نوآوری‌های شیوه‌های مالی در کشورهای توسعه یافته، ریشه گرفته است.

اما بحران کنونی تا چه میزان عمیق است؟ در ۲۸ نوامبر ۲۰۰۸ کمیسیون تاریخ‌گذاری اموال تجاری زیرنظر دفتر ملی تحقیقات اقتصادی اعلام کرد رکود در آمریکا از دسامبر ۲۰۰۷ آغاز شده است و یازده ماه ادامه خواهد داشت. اقتصاد آمریکا طی ۴۰ سال اخیر ۶ رکود را تجربه کرده است. این رکودها به طور متوسط ۱۰/۷ ماه دوام آورده‌اند. ممکن است برای کشورهای در حال توسعه این بحران ۱۰ سال به طول انجامد اما برای آمریکا این مدت متحمل نیست. بلندترین رکود از ۶ رکود اخیر، در نوامبر ۱۹۸۳ شروع شد و ۱۶ ماه طول کشید. کوتاهترین رکود در آغاز ژانویه ۱۹۰۸ بود که تنها ۶ ماه دوام داشت. بسیاری از اقتصاددانان انتظار دارند این رکود تا اواسط سال ۲۰۰۹ در طول ۱۸ ماه ادامه یابد. در یک رکود شدت به اندازه مدت مهم است و از هم مستقل نیستند بنابراین این یک رکود طولانی ولی سطحی؛ اثر مشابهی با یک رکود کوتاه مدت اما عمیق خواهد داشت.

ظهور چین به عنوان یک قدرت بزرگ صادرکننده، جهش عظیمی درجهان به وجود آورد. قیمت‌های نفت بالا رفت و نرخ‌های مبادله کاهش یافتند. سایر کشورها به افزایش صادرات پرداختند و مازاد تجاری خود را افزایش دادند. رشد چین و سایر کشورها باعث شد قیمت کالاها به خصوص نفت بالا رود، این اتفاق منجر شد ذخایر ارزی کشورهای در حال توسعه مانند کشورهای خاورمیانه به شدن افزایش یابد. هاین ترتیب کشورها با ذخایر بزرگ به فکر سرمایه‌گذاری ذخایر ارزی خود افتادند و این پول‌ها را به کشورهای توسعه یافته سرازیر کردند و این موجب شد تا پول ارزان شود و یکی از اقتصاددانان مجله "فایننشال تایمز" در کتابی تحت عنوان "تثبیت بحران مالی جهان" به نکته ظریفی اشاره می‌کند "ما می‌دانیم در ۲۰ سال آینده کشورهای نوظهوری هستند که به شدت رشد خواهند کرد مانند چین،

روسیه، هند و شاید برزیل، این کشورها ممکن است تعادل اقتصادی جهانی را بر هم بزنند. برهم خوردن تعادل اقتصاد جهانی جای کار برای اقتصاددانان که در حیطه بین‌المللی فعالیت می‌کنند؛ خواهد گذاشت. وی معتقد است در بلندمدت برهم خوردن تعادل اقتصاد جهانی به دلیل ظهور قدرت‌های اقتصادی بزرگ، شکل گیری و تقویت زیربنای بازار سرمایه در کشورهای در حال توسعه را ضروری می‌کند تا به آنها اجازه دهد ذخایر خود را در کشورهای خودشان و با پول خودشان سرمایه‌گذاری بزرگ خود مجرای خروج یافته باشد.

حوادث تروریستی یازده سپتامبر باعث شد آمریکا وارد روحیه بحران شود برای جلوگیری از این بحران، سیاست‌های انقباضی پولی را اتخاذ کرد و از ژانویه ۲۰۰۱ تا جولای ۲۰۰۳ ۲۷ مرتبه نرخ بهره را کاهش داد. به طوری که نرخ بهره از ۶/۵ درصد به یک درصد افت پیدا کرد. گرچه این سیاست‌ها از عمیق شدن بحران جلوگیری کرد؛ اما موجب بزرگ شدن حباب بازار مسکن شد.

پیشنهاد دولت آمریکا برای مقابله با رکود قبل این بود که اجازه دهید منابع مالی وارد سیستم شود تا مردم بتوانند وام بگیرند و این گردش تولید با شعار "بخر تا آمریکا بچرخد" رشد اقتصادی را تداوم بخشید.

کشورهای OECD نرخ بهره جهانی را بعد از بحران جهانی کاهش داد تا رونق اقتصادی به دلیل هزینه اندک سرمایه تا سال ۲۰۰۷ ادامه یابد، این بار مالی به طور مرتب افزوده می‌شد و خود را در بحران بخش مالی نشان داد.

آناشورترز- اقتصاددان - معتقد است اگر تک‌تک هیجاناتی که بازار در خلال سال‌ها به آن مبتلا شده است را مورد بررسی قرار دهیم؛ در می‌یابیم که در تمام موارد این سیاست‌های انقباض پولی بوده که منجر به جهش دارایی‌ها شده است.

در خوش‌بینانه‌ترین حالت‌ها اگر قیمت نفت ایران در سال آینده حدود ۳۰ دلار باشد و تمام درآمدهای مالیاتی دولت محقق شود متحمل است که کسری بودجه به سقف ۶۰ هزار میلیارد تومان هم برسد.

احتمال دیگر آن است که به دلیل بالا بودن تورم داخلی در مقایسه با تورم شریکان تجاری ایران نرخ حقیقی ارز در داخل کشور شدت افت پیدا کند و در صورت ادامه روند افزایش نرخ ارز و هجوم سودگران به بازار، بانک مرکزی مجبور به دخالت در بازار خواهد شد. اگرچه بحران جهانی موجب نگرانی بخش خصوصی شده است اما سیاست‌های دولت در این چند سال بسیار نگران‌کننده‌تر است! ذات دولت‌های نفتی و رانتی، ناتوان کردن بخش خصوصی است.

#### تأثیر بحران بر اقتصاد ایران

مهندس مهدی محمودیان- کارشناس ارشد مالی

گفت: کارشناسان اقتصادی مهم‌ترین علت شروع بحران مسکن در آمریکا می‌دانند. چرا که این صنعت در آمریکا ۱۵ درصد اقتصاد را تشکیل می‌دهد اما اهمیت صنعت ساختمان به قدری است که بحران در آن به منزله آسیب جدی در صنعت مالی و بطور کلی اقتصاد است.

در ۵ سال گذشته بخش خصوصی نقش بیشتری در بازار اقساط پیدا کرده بود. بطوری که ارزش کل اوراق قرضه به ۲۷ هزار میلیارد دلار رسیده بود. افزایش

#### دکتر خلیلیان:

**مدتی پیش ریاست جمهور این سوال را برای اقتصاددانان کشور مطرح کرد ش با دلاری نفتی چه کنیم؟ روزهای خوش نفت گران، چه زود به پایان رسید و شاید هم چون شیرینی آن را مردم احساس نکرده‌اند کوتاه به نظر رسید! اکنون باید این سوال را مطرح کرد که اگر با دیگر نفت گران شد با دلارهای آن چه کنیم؟**

پرتفولیوی بانک‌هایی که وثیقه‌های پشتیبانی شده با اقساط در اختیار دارند به دلیل عدم پرداخت‌های اخیر باعث زیان ۶۰ میلیاردی در سراسر جهان شده است. نهادهایی که مقادیر بسیار بزرگی از اوراق قرضه در اختیار دارند نظیر صندوق بازشتستی یا گروه‌های سرمایه‌گذاری موسوم به Hedge Fund یا صندوق‌های پوشش ریسک و اوراق قرضه مربوط به اقساط Sub Prime را خریداری کرده‌اند، آسیب زیادی دیدند چون اکنون ارزش کنونی آنها ۲۰ تا ۴۰ درصد ارزش آنها شده است. بطور کلی برآوردها نشان داده است که موسسات مالی تاکنون بیش از ۵۰۰ درصد میلیارد دلار در نتیجه از دست رفتن ارزش اوراق اقساط Sub Prime از دست داده‌اند.

تهدیدات بحران جهانی بر اقتصاد ایران:

۱- کاهش درآمد ارزی کشور در سال آتی به علت سقوط قیمت نفت از بشکه‌های ۱۵۰ دلار به حدود ۴۰ دلار

۲- کاهش درآمد ارز حاصل از فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی که حدود ۶۰ درصد از سبب صادرات غیر نفتی کشور را تشکیل می‌دهد، چرا که قیمت آنها تابع قیمت منابع نفتی است.

۳- کاهش درآمد حاصل از بسیاری از اقلام صادراتی لوکس و عمده مانند خشکبار، فرش و صنایع دستی به علت اینکه که جزو کالاهای ضروری محسوب نمی‌شوند با توجه به کاهش میل مردم به خرید این گونه کالاها در شرایط بحرانی کاهش می‌یابد.

۴- با رکود شدید صنایع تولیدی و صنعتی در خارج باعث کاهش مصرف مواد اولیه شده لذا کشور ما که ۹۰ درصد صادراتش مواد اولیه خام مانند کانی‌های فلزی است، ضرر زیادی خواهند کرد.

۵- کاهش میل و توان وارداتی کشورها به علت نداشتن نقدینگی لذا توان خود را برای حمایت از تولید داخلی خواهند گذاشت.

۶- با کاهش قیمت محصولات خارجی به علت کاهش تقاضا در صورت عدم تغییر تعرفه‌های واردات

شاهد افزایش واردات در سال‌های آتی بوده که این باعث ایجاد فشارهای مضاعف بر صنایع تولیدی داخلی و نیز خروج بسیار زیاد ارز از کشور را به دنبال خواهد داشت.

۷- قطع خطوط اعتباری ناشی از افت شدید تجارت بین‌المللی که از سوی کشورهای غربی اعمالی می‌شود.

۸- خروج سرمایه‌ها و نقدینگی از صنایع مولد و تولیدی و سرمایه‌گذاری و سرازیر شدن و جذب شدن به بازارهای کوتاه مدت و واردات به علت افزایش بازده ناشی از کاهش قیمت جهانی و کمک به تشدید واردات.

۹- با نمایان شدن اثر این بحران بر صنایع تولیدی و موکت کشور با کاهش سود و بازده و ارزش آنها در بازار سرمایه، نه تنها روند سرمایه‌گذاری در کشور را با کاهش بیشتر مواجه می‌کند بلکه روند واگذاری شرکت‌های دولتی و اجرای اصل ۴۴ را با چالش شدید و جدی مواجه خواهد کرد خصوصاً این که فشار تحریم‌ها نیز هنوز در جای خود باقی است.

#### بحران اقتصادی جهان، تهدید یا فرصت برای ایران؟

دکتر محمدباقر اسماعیل‌پور- استاد دانشگاه تربیت مدرس و عضو هیأت مدیره شرکت ملی ساختمان- گفت: بحران مالی آمریکا، اقتصاد جهانی را در سراسریی سخت رکود ورشکست شدن بانک‌ها و موسسات مالی و کاهش ارزش شاخص بورس‌ها

قرار داده است. بیوستگی معاملات مالی و تجاری در میان کشورها، بحران را همه‌گیر و زندگی تمام افراد دهکده جهانی را تحت تأثیر قرار داده است، بحران (بحران وام‌های مسکن) موسسات مالی آمریکا و به تبع آن جهان، از نظر ابعاد بزرگترین بحران مالی تاریخ بشریت است.

بازارهای مالی و سرمایه‌گذاری در ایران، بازارهای مستقلی هستند اما اقتصاد جهان و بازارهای مالی به تبع این بحران به رکود فرورفته و قیمت نفت به شدت سقوط قیمت نفت برای اقتصاد ایران که به درآمدهای نفت وابستگی دارد، همراه با رکود و افزایش تورم خواهد شد. با توجه به این که:

۱- بحران آمریکا نشان داد مسکن و نوسانات بازار آن نمای عمومی اقتصاد ملی را منعکس می‌سازد.

۲- تهدیدات ناشی از این بحران پس از ورشکستگی بانک‌ها و موسسات بیمه و رکود در بازارهای سرمایه به هدف‌گیری اشتغال و تولید می‌پردازد.

۳- برای مقابله با این بحران و حضور در مشارکت جهانی برنامه‌ریزی کنیم.

۴- با افزایش واردات اشتغال و نهایتاً سطح رفاه کاسته می‌شود

۵- انباشته‌های بزرگ سرمایه با میزان نقدینگی از مشکلات قابل ذکر و نیازمند برنامه است.

۶- برای پایداری و نیز پویایی اقتصاد ملی‌مان اگر مسیر سرمایه‌گذاری را هموار نمی‌کنیم از خروج سرمایه‌ها جلوگیری کنیم.

۷- ما در جهان رقابتی سرمایه‌داری و نیز بحران رو به افزایش به سر می‌بریم، یک دولت کوچک و کم خرج هم جوابگو خواهد بود.

۸- غافلگیر نشدن در باتلاقی کمبود و گرانی از وظایف امروزی دولت است.

۹- کاهش ادامه دار یا رکود بهای مسکن باعث سرایت رکود به دیگر بخش‌های اقتصادی می‌شود.

۱۰- همراه با تهدید بحران فعلی اقتصادی جهانی، بخش‌های تولیدی کشورمان می‌تواند با ارتقاء کیفیت محصولات به جذب بازارهای جدید اقدام کند.

۱۱- نظارت بانک مرکزی بر مقررات فرم دهی بانک‌ها جدی گرفته شود تا زمینه ساز بحران نشوند.

۱۲- مشارکت در خرید سهام صنایع بزرگ و آتیه دار بین‌المللی در شرایط نازل کنونی و حضور و نفوذ در بازارهای آنها از طریق سهام

یکی دیگر از بخش‌های این همایش به سخنرانی سفیران کشورهای اتریش، استرالیا، پاکستان، کره جنوبی، قبرس و اختصاص یافت. این سخنرانان در مقالات خود به ذکر ابعاد بحران جهانی و تأثیرات آن در کشورهای مختلف جهان پرداختند.

